یادداشت

چاره‌جویی‌های فرارو در معادله تولید و مصرف بنزین

پویا نعمت‌اللهی
کارشناس انرژی

● خبرهای جدید حاکی از این است که بنزین تولیدی فاز دوم و سوم پالایشگاه ستاره خلیج فارس وارد شبکه مصرف شده و بدین ترتیب میزان تولید بنزین کشور به مرز ۱۰۵ میلیون لیتر در روز می‌رسد.

قطع نظر از این توانمندی تحسین‌انگیز، اما آیا باز هم می‌توان اقدام بزرگی به نام «اصلاح اساسی استراتژی مصرف بنزین در کشور» را پشت گوش انداخت؟ قطعا پاسخ منفی است.

این بدان معنا است که باید نگاه‌های کوتاه‌مدت در مورد موازنه تولید و مصرف بنزین را فراموش کرد و به‌جای تمرکز بر «معلول‌ها» بلافاصله باید به سراغ «علت‌ها»ی افزایش مصرف بنزین در کشور رفت.

جست‌وجویی که اضلاع یک مثلث را دربر می‌گیرد. یک ضلع آن ریشه در «قیمت بنزین» دارد، ضلع دیگر به معضلات «حمل‌ونقل عمومی» مرتبط است و ضلع سوم نیز «عدم تناسب مصرف سوخت خودروهای تولیدی داخل با استانداردها» است.

در ضلع «قیمت»، ذکر این نکته لازم است که به‌طورکلی قیمت‌های پایین، زمینه افزایش مصرف را ایجاد می‌کند و به‌تبع آن موجب پرداخت یارانه بیشتر از سوی دولت و در نتیجه بروز مشکلات آتی می‌شود. قیمت‌گذاری سوخت از طریق راهکارهای سنتی که مبتنی بر یارانه بی‌هدف هستند، رأسا هرگونه اقدام به اصلاح نظامات قیمت‌گذاری مدرن را عقیم می‌کند. درحالی‌که بنا بر اظهارات مقامات کلان کشور بیشتر از ۷۰ میلیون نفر در حال حاضر مشمول دریافت یارانه هستند، آنگاه شفاف‌سازی اقتصاد و استخلاص اقتصاد از نظام یارانه‌ای و جلوگیری از هدررروی منابع ملی نیز قاعدتا اموری مقرون به محال خواهند بود.

بنابراین باید اذعان کرد نظام یارانه‌ای قیمت‌گذاری سوخت و به ویژه بنزین با توجه به گردش بالای مالی آن عملا هزینه سنگینی را بر دوش کشور گذاشته است. این هزینه به‌طور مشخص درحال‌حاضر در راهکارهای برون‌رفت از نظام کنونی نیز وجود دارد که نشانه‌های آن را می‌توان در طرح‌هایی مانند افزایش تدریجی و زمان‌بر قیمت بنزین، سهمیه‌بندی، پرداخت یارانه مستقیم، استفاده از کارت سوخت و توسل به شیوه‌های تنبیهی مانند افزایش پلکانی قیمت پیدا کرد.

این نوشته به‌دنبال ارائه راهکار نیست؛ چراکه سیاست‌گذاران وقوف بیشتری به ابعاد ماجرا دارند اما حسب تجربه‌های موجود می‌توان برای واقعی‌سازی قیمت سوخت تلاش‌هایی کرد و در کنار آن نیز مکانیسم‌های مشخصی در راستای تعیین قیمت برای جلوگیری از هر گونه عدم شفافیت، فساد و نوسان‌های بزرگ قیمتی تعریف کرد.

در بحث «استانداردها» نیز وزیر نفت انگشت اشاره خود را به جایی خارج از صنعت نفت می‌گذارد؛ آنجا که به قول زنگنه میزان مصرف بنزین سالی ۱۰ درصد افزایش می‌یابد و هرچند به تعدادی که خودرو اضافه می‌شود مصرف نیز افزایش می‌یابد، اما تفاوتی میان خودروهای قدیمی و جدید به لحاظ شاخص متوسط مصرف سوخت وجود ندارد.

با این همه نمی‌توان همه تقصیر را به گردن استانداردهای خودروسازان انداخت؛ به عبارت دیگر هرچند سازوکارهای «قیمت‌محور» در موضوع مصرف بنزین اهمیت فراوانی دارد، اما قطعا «کافی» نیست. موضوع واردات خودرو که اخیرا در وزارت صمت خبرساز شده بود، به‌خوبی حاکی از لزوم یک تغییر رویکرد در تولید و واردات خودرو است.اگر رشد تولید کشور همسو و هم‌پایه روند رشد فعلی مصرف در سال‌های آینده نباشد، آنگاه نمی‌توان به توقف واردات بنزین و خودکفایی در تأمین سوخت امیدوار بود. اساسا «کنترل مصرف سوخت» روزنه‌ای از امید است که می‌توان از دریچه آن به تداوم خودکفایی در تأمین بنزین یا صادرات مازاد مصرف امیدوار بود.

اما آیا استفاده از نظام سهمیه‌بندی، چندنرخی‌کردن بنزین یا ساخت پالایشگاه (به شرط وفور منابع مالی برای ساخت این تأسیسات عظیم) چاره کار است؟

واضح است که اگر هر کدام از این اقدامات به‌تنهایی کفایت می‌کرد وضعیت مصرف امروز کشور به این شکل نبود. برای مدیریت بر مصرف بنزین باید در «محرک» و «چرایی» گرایش مردم به مصرف بنزین تدقیق کرد. محرک‌هایی که شاید بیشتر آنها در جایی بیرون از وزارت نفت شکل می‌گیرد.

از ابتدای سال تا کنون ۴۵ تراکنش از خزانه برای صندوق های بازنشستگی رقم خورد

تاوان ۳۰ هزار میلیاردی دولت

محمد مساعد: میزان کمک دولت به صندوق‌های بازنشستگی در لایحه بودجه به بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۴ دولت مجبور شود تنها برای سر پا نگه‌داشتن صندوق تأمین اجتماعی بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان هزینه کند. دولت در سال جاری بیش از ۳۰ هزار میلیارد تومان به صورت نقدی از طریق خزانه کشور به چهار صندوق بیمه‌ای کمک کرده است. این تنها گوشه‌ای از اعداد و ارقامی است که می‌توان درباره فشار سنگین صندوق‌های بازنشستگی بر دوش دولت گفت. فشاری که مسبب اصلی آن خود دولت است و البته چاره‌ای نیز جز تحمل آن ندارد زیرا این صندوق‌های بازنشستگی، نه تنها مهم‌ترین امید نیروی کار فعال کشور برای آینده خود هستند بلکه تنها منبع درآمد میلیون‌ها بازنشسته ایرانی محسوب می‌شوند.

فشار ۸۰ هزار میلیارد تومانی به دولت

اگر در گذشته بحران صندوق‌های بازنشستگی از خلال تماس‌های گاه‌وبی‌گاه با کارشناسان و شنیده‌های درگوشی از بدهی‌ها و استقراض‌های پیاپی این صندوق‌ها فهم می‌شد، امروز دیگر کاملا روشن است که صندوق‌های بازنشستگی کشور دچار مشکل جدی هستند. درحالی‌که دولت در سال جاری بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان از بودجه کشور را صرف سر پا نگه‌داشتن صندوق‌های بازنشستگی خواهد کرد، محمدباقر نوبخت از افزایش این تعهدات به بیش از ۸۰ هزار میلیارد تومان در سال آتی خبر داده است. تعهداتی که پیش‌بینی می‌شود روند افزایشی داشته باشد و نباید فراموش کرد صندوق سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگ‌ترین صندوق بازنشستگی کشور هنوز به اندازه دو صندوق بزرگ ورشکسته یعنی صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح دچار مشکل نیست و تنها برای جبران کسری بودجه خود کمکی در حدود ۱۹ هزار میلیارد تومان از دولت دریافت می‌کند که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۴ به ۱۲۰ هزار میلیارد تومان برسد. در این بین صندوق بازنشستگی کشوری با دریافت کمک ۳۳ هزار میلیارد تومانی و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح با دریافت کمک ۲۰ هزار میلیارد تومانی در سال جاری فشار بسیار سنگینی را به جیب دولت وارد می‌کنند. فشاری که به نظر می‌رسد دولت در عمل به آن نیز دچار مشکل است و بررسی‌های «شرق» نشان می‌دهد بین تعهدات بودجه‌ای دولت در سال جاری به این صندوق‌های بازنشستگی و میزان عمل به آن در ۹ماهه نخست امسال فاصله قابل‌توجهی وجود دارد. درحالی‌که با گذشت سه فصل از سال در عمل دولت باید سه‌چهارم کمک‌های خود به این صندوق‌ها را پرداخت می‌کرد، بررسی پرداخت‌های خزانه‌داری کشور نشان می‌دهد دولت تنها سهمی بین ۵۰ تا ۶۰ درصد از آن تعهدات را از طریق خزانه به صندوق‌های بازنشستگی پرداخت کرده است.

کمک ۳۲ هزار میلیارد تومانی

اگر میزان کمک‌های دولت در بودجه سال جاری به صندوق‌های بازنشستگی را حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان درنظر بگیریم دولت در ۹ماهه نخست سال باید حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان از این مبلغ را به صندوق‌ها پرداخت می‌کرد اما بررسی «شرق» نشان می‌دهد دولت جمعا مبلغ ۳۲هزارو۱۰۶میلیاردو۹۶۰میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان به چهار صندوق بیمه (صندوق بازنشستگی کشوری، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بیمه کشاورزان، روستاییان و عشایر و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح) پرداخت کرده است. دولت این پرداخت را از طریق ۴۵ تراکنش انجام داده و صندوق بازنشستگی کشوری با دریافت بیش از ۱۸هزارو۳۹۶میلیاردو۶۶۶میلیون‌و ۷۰۰ هزار تومان بیشترین میزان کمک‌های نقدی را از دولت دریافت کرده است. سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح نیز با دریافت ۱۲هزارو۸۸۴میلیاردو۷۱۹میلیون‌و ۶۰۰ هزار تومان کمک نقدی، در جایگاه دوم قرار دارد. سازمان تأمین اجتماعی نیز در این مدت تنها ۶۲۸میلیاردوشش‌میلیون‌و ۵۰۰ هزار تومان کمک نقدی از خزانه دریافت کرده و سهم دریافتی نقدی صندوق بیمه کشاورزان، روستاییان و عشایر نیز تنها ۱۹۷میلیاردو ۵۶۸ میلیون تومان بوده است.

نباید فراموش کرد این اعداد بزرگ که بسیار بزرگ‌تر از بودجه برخی وزارتخانه‌های دولت هستند، تنها برای پیشبرد امور جاری این صندوق‌ها هزینه می‌شوند و قطعا هدف و نتیجه پرداخت این مبالغ سنگین حل مشکلات این صندوق‌ها نیست. صندوق‌هایی که اغلب به دلایل مشابه گرفتار وضعیت موجود شده‌اند.

چرا شکست؟

دلایل ورشکستگی صندوق‌های بیمه‌ای در ایران متعدد است. هر صندوق بیمه‌ای به عبارت ساده وظیفه دارد ارزش سرمایه جمع‌آوری‌شده از طریق حق بیمه پرداختی کارگران تحت پوشش خود را با سرمایه‌گذاری‌های مناسب حفظ کند و ضمن پرداخت هزینه‌های درمانی این کارگران، با افزایش این سرمایه در هنگام بازنشستگی یا ازکارافتادگی کارگران، میزان مشخصی مستمری به آنان بپردازد. این همان وظیفه‌ای است که صندوق‌های بیمه‌ای ایرانی در انجام آن ناکام مانده‌اند و برای پرداخت هزینه‌های درمانی و مستمری بازنشستگان خود دست به دامن بودجه کشور و استقراض از بانک‌ها شده‌اند. این صندوق‌ها که در چند دهه به حیاط‌خلوت سیاسیون تبدیل شده و شاهد عیش و عشرت بسیاری از مدیران غیراقتصادی در صدر شرکت‌های اقتصادی خود بودند، حالا درحالی دچار مشکل هستند که دیگر کسی حتی نام آن مدیران را نیز به یاد نمی‌آورد. از سوی دیگر، شرکت‌های اقتصادی این صندوق‌ها که وظیفه افزایش سرمایه آنها را بر عهده دارند به دلیل اشتباهات مخرب مدیران در حیطه اقتصاد کلان و همچنین تحریم‌های پیاپی که تورم، رکود و رشد اقتصادی ناکافی را به اقتصاد ایران تحمیل کردند مانند دیگر بنگاه‌های اقتصادی کشور آسیب‌هایی جدی دیده‌اند. آسیب‌هایی که هم‌زمان باعث افزایش بی‌کاری و کاهش نرخ اشتغال و در واقع کاهش منابع درآمدی صندوق‌های بازنشستگی از طریق حق بیمه‌ها شده است. از سوی دیگر ارزان‌سازی پیاپی نیروی کار در کشور باعث کاهش مقدار حق بیمه پرداختی کارگران شده است و البته بسیاری از این نیروهای کار، حتی شانس بیمه‌شدن را نیز ندارند. این مشکلات در کنار تصمیمات و تعهدات پیاپی که ازسوی سیاسیون به این صندوق‌ها، به‌ویژه صندوق تأمین اجتماعی و بازنشستگی کشوری تحمیل شده‌اند، این صندوق‌های بیمه‌ای را بیشتر از گذشته دچار مشکل کرده‌اند. دولت‌ها همچنین با عمل‌نکردن به تعهدات خود به مشکلات این صندوق‌ها افزوده‌اند و کار را تا جایی پیش برده‌اند که بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی بالغ بر ۱۶۰هزار میلیارد تومان شده است. صندوق‌های بازنشستگی که منافعی متفاوت از دولت دارند، اما توسط دولت‌ها اداره می‌شوند حتی از اتخاذ ساده‌ترین و بدیهی‌ترین تصمیمات برای حفظ منافع خود نیز ناتوانند. دولت با سرمایه این صندوق‌ها در شهرهایی که بیمه‌پرداز زیادی وجود ندارد، بیمارستان می‌سازد، با قطارها و هواپیماهای این صندوق‌ها مسافران را با بهایی بسیار ارزان‌تر از آنچه باید باشد، جابه‌جا می‌کند، شرکت‌های زیان‌ده خود را به این صندوق‌ها واگذار می‌کند و بار پرداخت دستمزد نیروی کار مازاد آنان را نیز به گردن این صندوق‌ها می‌اندازد و این تنها گوشه‌ای از باری است که دولت به صندوق‌های بازنشستگی تحمیل می‌کند و سپس برای جبران گوشه‌ای از این زیان‌ها، بخش بزرگی از بودجه کشور را صرف کمک اضطراری به این صندوق‌ها می‌کند، گویی تمام تصمیماتی که علیه منافع این صندوق‌ها ازسوی دولت‌ها اتخاذ شده، مانند بومرنگی رهاشده، به سوی عامل پرتاب بازمی‌گردد؛ بازگشتی که شاید دولت پرتاب‌کننده را دچار مشکل نکند، اما می‌تواند چشم دولت بعدی را کور کند.

ادامه از صفحه ۴

همکاری ارتش با سازمان هواپیمایی

سه فرودگاه فتح، ناجا و پیام، تحت کنترل فرودگاه مهرآباد هستند و باید از آن تأییدیه بگیرند. علاوه‌براین هواپیمایی که در فرودگاه فتح می‌نشیند، باید با برج مراقبت فرودگاه پیام در ارتباط باشد اما آن‌گونه که کارشناسان مراقبت پرواز فرودگاه مهرآباد اعلام کرده‌اند، حالت اضطرار اعلام نشده و تنها سخن خلبان این بود که فرودگاه را می‌بیند و برای فرود اقدام می‌کند.

نقص در آموزش خلبانان

او همچنین با بیان اینکه بررسی سوانح در ایران بیش از آنکه علمی باشد، سیاسی است، توضیح می‌دهد: اگر ارزیابی درستی از سانحه مشابه قبلی که آبان‌ماه همین امسال رخ داده، انجام شده بود، این اتفاق رخ نمی‌داد. یک خلبان در آن ارتفاع بالا و با سرعت ۴۰۰ کیلومتر در خط فرود، این دو فرودگاه را مثل دو نقطه می‌بیند. حال اگر ابر روی فرودگاه پیام قرار بگیرد، هواپیما مجبور به نشستن است، چاره‌ای ندارد که در فرودگاه فتح بنشیند. باید در این مدت که این مشکل شناسایی شده بود، جلوی این اِرور را می‌گرفتیم و چنین نکردیم؛ درحالی‌که باید در آموزش خلبانان در این مسیر، بیشتر فعالیت می‌شد که محدودیت‌ها را در نظر داشته باشند.

در صورت نیاز از کارشناسان سازمان هواپیمایی کمک می‌گیریم

درحالی‌که رضا جعفرزاده، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری در گفت‌وگو با «شرق» اعلام می‌کند که بررسی سانحه در دست ارتش جمهوری اسلامی است، امیر شاهین تقی‌خانی، سخنگوی ارتش جمهوری اسلامی نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره تشکیل کمیته بررسی سانحه برخلاف آنچه اسناد مربوط به فرودگاه می‌گوید، فرودگاه فتح را فرودگاهی کشوری و نه نظامی می‌خواند. او در این گفت‌وگو می‌گوید: «احتمالا اختیار آن با فرودگاه کشوری بوده است». سخنی که احتمالا به این نکته اشاره دارد که این فرودگاه تحت کنترل فرودگاه مهرآباد است. تقی‌خانی در پاسخ به چگونگی رسیدگی به این سانحه در کمیته بررسی می‌گوید: تیم بررسی سانحه تشکیل شده و در صورت نیاز از مشارکت و همراهی کارشناسان سازمان هواپیمایی کشوری بهره خواهیم برد؛ اما این کمیته با محوریت ارتش تشکیل خواهد شد. از او درباره حضور یک خانم در این پرواز می‌پرسم. او در پاسخ اشاره می‌کند این فرد غیرنظامی بوده و به باری که در هواپیما در حال حمل بوده، مرتبط است و البته توضیح بیشتری ارائه نمی‌دهد.

۸۳ درصد از اعتبارات بودجه فصل فرهنگ در دست ۵ دستگاه است

عناوین صوری در لیست بودجه فرهنگی

شرق: در لایحه بودجه ۹۸ برای بخش فرهنگ هشت هزار و ۵۶ میلیاردی در نظر گرفته‌شده که ترکیب اجزای آن نشان می‌دهد پنج دستگاه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و مرکز خدمات حوزه‌های علمیه اعتباری بالغ بر هزار میلیارد تومان دریافت کرده و بیشترین میزان اعتبارات را دارند. این دستگاه‌ها با هم معادل ۸۳ درصد از اعتبارات فرهنگی را دریافت می‌کنند. میزان اعتبار دستگاه‌هایی مانند سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شورای عالی حوزه‌های علمیه و جامعه المصطفی العالمیه با اختلاف اندکی جزء دستگاه‌های با اعتبار بالای فرهنگی محسوب می‌شوند. در نتیجه ۸۳ درصد از اعتبارات میان پنج دستگاه فرهنگی و ۱۷درصد از اعتبارات باقی‌مانده نیز میان ۲۸ دستگاه و سازمان فرهنگی توزیع می‌شود.

به گزارش «شرق»، کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس در تحلیل لایحه بودجه ۹۸ در بخش فرهنگ معتقدند برنامه‌های فرهنگی که اعتبارات اختصاص داده‌شده به دستگاه‌های فرهنگی ذیل آن هزینه می‌شود، بسیار متنوع و متکثر است. به‌گونه‌ای که امکان ارائه تصویری معنادار از تمامی این برنامه‌ها وجود ندارد.

عناوین برنامه‌ها نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از آنها به‌صورت کلی بیان شده و نمی‌تواند نشان‌دهنده جهت‌گیری دستگاه‌های فرهنگی در فعالیت‌های اجرائی باشد. برای مثال مهم‌ترین عناوین برنامه‌های فصل فرهنگ و هنر که بیشترین اعتبار را در میان فصول فرهنگی دریافت کرده، ذیل سه عنوان بسیار کلی، مبهم و نظارت ناپذیر«حمایت»،« تأمین» و «گسترش» ارائه شده و از همین رو کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس نوشته‌اند: عناوین ذکرشده جنبه صوری داشته و ارتباط آشکار و شفافی با فعالیت‌های واقعی و اجرائی ندارد. به‌طوری‌که برنامه‌های عنوان‌شده را بیشتر می‌توان موضوعات هزینه‌کرد اعتبارات دانست تا برنامه اجرائی دستگاه فرهنگی. کارشناسان بازوی پژوهشی مجلس با تکیه بر پیمایش و تحقیقاتی که انجام شده، چهار شاخص فرهنگی-اجتماعی وضعیت اعتماد و سرمایه اجتماعی، میزان رضایت از وضعیت جاری کشور و عملکرد مسئولان، وضعیت سرمایه اجتماعی و وضعیت امید به آینده را در شرایط کنونی منفی ارزیابی کرده و نوشته‌اند کاهش ۰٫۰۶درصدی بودجه امور فرهنگی نشان از بی‌توجهی دولت به مسئله دارد.همچنین اعتبارات اختصاصی دستگاهی مانند صداوسیما نشان می‌دهد اعتبارت اختصاصی آن از مجموع اعتبار دریافتی سازمان از بودجه عمومی بیشتر است.فصل رسانه بیشترین سهم از اعتبارات امور فرهنگی را دریافت می‌کند. فصل فرهنگ و هنر و فصل دین و مذهب که رتبه‌های دوم و سوم سهم دریافتی را از اعتبارات دارند نیز از بزرگ‌ترین دستگاه‌های فرهنگی محسوب می‌شوند. فصل ورزش و تفریحات با اختلاف اندکی در ردیف بعدی قرار دارد. برنامه‌های رسانه‌ای و همچنین برنامه‌های فرهنگی و هنری بیشترین سهم را از اعتبارات امور فرهنگی دریافت می‌کنند. کمترین میزان اعتبارات نیز به برنامه‌های میراث فرهنگی، گردشگری، تحقیق‌وتوسعه در امور فرهنگ، تربیت‌بدنی و گردشگری و صنایع‌دستی اختصاص دارد.مرکز پژوهش‌های مجلس چهار ویژگی برای وضعیت نظام توزیع فرهنگی کشور برشمرده است: رایگان‌بودن صداوسیما، یارانه‌های زیاد برای سایر تولیدات فرهنگی از قبیل فیلم‌های سینمایی، کتاب و...، هزینه‌کرد بیش از ۸۵ درصد اعتبارات دستگاه‌های فرهنگی در قالب کمک و رایگان‌بودن بخش تولیدات فرهنگی معاند و مخالف نظام در کشور ذیل صدها شبکه ماهواره‌ای و فضای مجازی.

مرکز پژوهش‌های مجلس در ادامه نوشته است: این ویژگی‌ها که نتیجه ۴۰ سال سیاست اداره حوزه فرهنگ و هنر در کشور بوده موجب شده است تا وابستگی بسیار زیادی به حمایت‌های دولت در بخش فرهنگ ایجاد شود؛ به گونه‌ای که کمترین میزان تغییر یا کاهش در حمایت‌های دولتی آثار بسیار زیاد و ملموسی را در این بخش به جا خواهد گذاشت.بازوی پژوهشی مجلس همچنین توضیح داده است: درآمدهای اختصاصی دستگاه‌ها تأثیر زیادی بر نحوه و کیفیت فعالیت دستگاه‌های فرهنگی داشته و آثار فرهنگی-اجتماعی زیادی دارد. برای مثال برای وزارت ورزش و جوانان درآمدی معادل ۱۶۵میلیارد تومان در نظر گرفته‌شده که اغلب از طریق افزایش اجاره‌بهای استفاده از امکانات ورزشی تأمین می‌شود و نتیجه مستقیم آن گران‌شدن ورزش در جامعه است.